

# مدافع حرم، مدافع حریم فرهنگ

جمهوری اسلامی»، دعوت می‌کرد و صلاهی عام می‌داد.

بیانیه گام دوم، بشیر و نویدبخش تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی بود: در بیانیه، ارج‌گذاری به تجربه‌های پیشین، راه و تکیه‌گاه رفتن امروز و رسیدن به فردای مطلوب و موعود دانسته شده بود و غفلت از گذشته‌ها و تجربه‌ها را سبب نشستن «دروغ» به جای حقیقت و در معرض تهدیدهای ناشناخته قرار گرفتن شناسانده بود.

در بیانیه دوم، راه عبور از عقبه‌ها و دشواری‌ها، مدیریت جهادی، تکیه بر ظرفیت‌ها و استعدادها، درونی، مشارکت مردمی، توجه به معنویت و اخلاق، عدالت باوری و عدالت یابوری، بیداد ستیزی، و جوان‌گرایی معرفی شده بود.

اینک پس از گام اول (پشت سر گذاشتن چهل سال اول)، و رسیدن به گام دوم و داشتن «چراغ راهی» درخشان و «سفینه نجاتی» مطمئن و چشم‌اندازی که بیانیه گام دوم ترسیم کرده است، باید پرسید:

زبان و ادبیات فارسی چه رسالت و مسئولیتی دارد؟

متناسب با نیازهای «زمان» و «زبان نسل نو» و تحولات پرشتاب اجتماعی و جهانی، جامعه آفرینندگان آثار ادبی و جامعه دبیران و نسل‌پروران چگونه رویکردی باید داشته باشند؟

در رویدادها و تحولات اجتماعی، نخستین «میدان‌دار» ادبیات است. رویدادهای بزرگ نیاز به «شعار» دارند و شعار بیان‌آهنگین و فشرده آرمان‌ها و اندیشه‌ها و جهت‌گیری‌هاست؛ جز این، نهضت‌ها و حرکت‌های بزرگ با تکیه بر ادبیات-سروده‌ها، داستان‌ها و متن‌های برانگیزاننده-با جان و اندیشه و جهان جامعه پیوند می‌یابند.

می‌توان گفت جامعه‌ها از ادبیات ناگزیرند و ادبیات صمیمی‌ترین و بایسته‌ترین زبان برای خلق، پیشبرد و نگاهبانی نهضت‌ها می‌تواند باشد. انقلاب اسلامی نیز چه در ولادت و چه بزنگاه‌ها و جزر و مدها و نشیب و فرازهای درونی و جهانی، خود را در ادبیات «نموده» و «نشان» داده است. بیش از ۴۵ هزار عنوان کتاب شعر، خاطره، داستان، ادبیات نمایشی، سفرنامه و زندگی‌نامه و دیگر متن‌های ادبی گواه آن است که در طول چهل سال انقلاب، بالندگی، زاینده‌گی و شکوفایی ادبی را شاهد و ناظر بوده‌ایم.

سال گذشته، در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، رهبر حکیم انقلاب «بیانیه گام دوم انقلاب» را صادر کردند؛ بیانیه‌ای که دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته را فرا چشم می‌آورد و جهاد بزرگ برای ساختن فردا را فراخوان می‌داد و بیش و پیش از دعوت همگانی، جوانان را برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» و شروع فصل جدید «زندگی

نسل امروز  
باید بداند از  
کدام «دیروز»  
و با کدام  
«بها» به امروز  
رسیده است تا  
قدردان آن‌ها  
و تداوم‌بخش  
آرمان و فرهنگ  
و دستاوردهایشان  
باشد



دبیران هم باید  
نسل امروز را با  
آثار درخشان،  
به‌ویژه  
خاطره‌ها، جبهه  
نگاشته‌ها، یادها  
و یادنگاران و  
میراث فرهنگی  
و ادبی آشنا  
کنند و هم برای  
ورود به آینده،  
چالش‌ها، نیازها  
و مسئولیت‌ها  
آماده سازند

را دارند اما متأسفانه میدان و امکان نمی‌یابند. مجلات رشد فرصت حضور قلم‌های نوشکفته است. سال‌های نه چندان دور شاهد نویسندگان نوجوان و حتی کودک بودیم که قلم می‌زدند و کتاب‌های موفق‌تری را به فرهنگ و ادبیات این سرزمین افزودند. حتماً می‌دانیم که چندین سرودهٔ موفق و ماندگار پروین اعتصامی محصول ۹ تا ۱۲ سالگی اوست.

اگر «میدان‌دار» همهٔ انقلاب‌ها و نهضت‌های بزرگ نخست «ادبیات» است، همان گونه که در آغاز گفتیم، میدان‌دار چلهٔ دوم انقلاب نیز می‌تواند ادبیات باشد و میدان‌داران و هدایتگران این عرصهٔ فراخ معلمان و دبیران؛ شما همدلان و همراهان و راه‌آشنایان.

نخستین سال از چلهٔ دوم را پس‌پشت می‌گذاریم؛ مولایمان علی (ع) فرموده است: «من استوی یوماه فهو مغبون»؛ هر که دو روز مساوی داشته باشد، بازنده است، و بر این اساس، براننده نیست دو سال مساوی داشته باشیم. در سال جدید گام‌هایی بلندتر برداریم. تحقق گام دوم، نیازمند گام‌های بلندتر است.

خدا همگام و همراهتان

یکی از مهم‌ترین و بایسته‌ترین کارها، حفظ میراث ارجمند فرهنگی گذشته، به‌ویژه طرح و انتقال فرهنگی است که در این دوران چهل ساله آفریده شد؛ ادبیاتی که محصول ایثارها، شهادت‌ها و رشادت‌ها، پاک‌ها و پاکبازی‌ها و سیلان عرفان و ایمان در جان بهترین فرزندان این سرزمین بوده است.

نسل امروز باید بداند از کدام «دیروز» و با کدام «بها» به امروز رسیده است تا قدردان آن‌ها و تداوم‌بخش آرمان و فرهنگ و دستاوردهایشان باشد. نسلی که نداند امروز او- به قول نادر ابراهیمی در سرود شکوهمند ما برای آنکه ایران-... ره‌آورد چه سفرها، چه خون جگرها و چه رنج دورانی است، آن را پاس نخواهد داشت.

نکتهٔ دوم، همدلی و همراهی و نقش‌آفرینی دبیران دانشور و فرهیمند و فرزانه در این مسیر خطیر است. دبیران هم در چرخهٔ تولید ادبی می‌توانند حضور چشمگیر بیابند و هم در نگاهبانی و رسانایی این ارزش‌ها و آرمان‌ها و یادگاران عزیز. دبیران هم باید نسل امروز را با آثار درخشان، به‌ویژه خاطره‌ها، جبهه‌نگاشته‌ها، یادها و یادنگاران و میراث فرهنگی و ادبی آشنا کنند و هم برای ورود به آینده، چالش‌ها، نیازها و مسئولیت‌ها آماده سازند. «گذشته» باید ایستگاه نشود بلکه گذرگاه به سمت «فردا» باشد. چه بسیارند دانش‌آموزانی که توانایی نوشتن و حتی حضور در نشریات و خلق آثار ادبی